دانش ما از نخستین سال‏های حکومت اشکانی، از اعلام سلطنت ارشک اول(248 پ.م.)تا به سلطنت رسیدن مهرداد اول(171 پ.م.)، بیشتر مدیون نوشته‏های مورخان یونانی و بعدا رومی مانند یوستینوس و سترابو است.بنابه نوشته این تاریخ‏نویسان، شاهان اشکانی بعد از ارشک اول همه به افتخار مؤسس سلسله، خود را به نام سلطنتی«اشک»می‏خوانده‏اند.این مسئله که از ذکر نام«اشک»(ارساکیس)در روی سکه‏های شاهان اشکانی تا قرن اول میلادی نیز واضح است، یکی از مهم‏ترین موانع در به دست دادن شجره نامه‏ای کامل و مورد قبول از شاهان اولیه اشکانی است.

قول تاریخ نویسان یونانی و رومی که جانشین ارشک را برادرش تیرداد اول و بعد از او پسرش اردوان اول می‏دانستند، تا مدت‏ها مورد قبول بیشتر مورخان بود.در این نگاه، نام آخرین شاهنشاه اشکانی، اردوان پنجم ذکر شده بود و با گذشت از«دوران تاریک»(از پایان سلطنت مهرداد دوم تا حکومت ارد دوم)، شجره نامه نسبتا قابل قبولی از این شاهان ارائه شده بود.

امّا با کشف تعداد بیشتری از سکه‏های اشکانی در نسا(پایتخت ارشک اول)، بعضی از دانشمندان مانند یوزف ولسکی، بازنویسی این شجره نامه را شروع کردند.با توجه به کشف سکه‏هایی از ارشک دوم در نسا، ولسکی قول یوستینوس را که گفته بود«جانشین ارشک اول نیز ارشک نام داشت»به شکل ظاهری برداشت کرد و نتیجه گرفت که تیرداد اول و اردوان اول Farhang .49-50; Spring

در واقع شخصیت‏هایی غیر تاریخی هستند و بعد از ارشک اول، پسرش ارشک دوم حکومت کرده و بعد سلطنت به نوه برادر ارشک اول، فریاپیت، رسیده است.این برداشت ولسکی را بیشتر دانشمندان پذیرفته‏اند و استفاده از آن در نوشته‏هایی مانند تاریخ ایران کیمبریج، اهمیت خاصی به آن می‏بخشد.

از طرفی، اعتقاد من این است که نمی‏توان قول همه تاریخ نویسان اولیه را اشتباه دانست و وجود تیرداد اول و اردوان اول با اسم‏هایی کاملا اشکانی را که بعدها در تاریخ اشکانی تکرار می‏شود، به طور کامل افسانه‏ای دانست.نوشته‏های مورخانی مانند سترابو و آریانوس که ارشک و تیرداد را دو برادر و رؤسای قبیله پرنی می‏دانند، احتمالا برمبنای حقیقتی بنا شده که در آن زمان شناخته شده و مورد قبول عام بوده است.

همچنین، زمان حکومت ارشک اول و تیرداد و اردوان اول تا زمان جانشینی فریاپیت(191 پ.م.)، کمی شک برانگیز است؛هر چند که بعدها اشکانیان ادعا می‏کردند.ارشک در سال 248 پ.م.به حکومت رسیده است، امّا این امکان بیشتر وجود دارد که این تاریخ، شروع حکومت آندراگوراس و خروج او از یوغ سلوکیان باشد.امروزه بیشتر دانشمندان قبول دارند که ارشک از سال 238 پ.م.حکومت خود را بر پارت شروع کرد.در این نگاه، گاهشماری قدیم، تمامی حکومت ارشک اول(248 تا 211)را به تیرداد نسبت می‏دهد؛امّا هر دو این تواریخ بر سر زمان حکومت اردوان اول یا ارشک دوم توافق دارند(پیشتر عنوان شد که حکومت ارشک اول را باید از 238 در نظر گرفت چون احتمالا ده سال اول سالشماری رسمی اشکانی که از 248 شروع می‏شود، مدت حکومت آندراگوراس بوده است).

با توجه به گاهشماری اشاره شده در بالا و تطبیق روایات قدیم و نظریات جدید و با توجه به سکه‏های کشف شده از نسا، در این مقاله سعی شده است مشکل زمان حکومت دو پادشاه نخستین اشکانی و نام‏های آنها حل شود.نگارنده این مقاله بر این نظریه است که ارشک-که بعدها با تغییرات گویشی به«اشک»تغییر کرده-در واقع نام خانوادگی یکی از سران قبیله پرنی بوده است.بدین ترتیب، شخصی که در تاریخ‏های یونانی و رومی به نام ارشک اول شناخته شده و به همین نام نیز سکه ضرب کرده، با نام شخصی تیرداد شناخته می‏شده و از سال 238 تا 217 یا 214 حکومت کرده است.بعد از ارشک اول تیرداد، پسر او-که بر مبنای سکه‏های موجود و نظر ولسکی، نام سلطنتی ارشک دوم را داشته و در واقع اردوان نامیده می‏شده است-تا 191 پ.م.سلطنت کرد و جای خود را به پسرش فریاپیت داد.از این طریق، مسئله افسانه‏ای بودن تیرداد و اردوان قابل حل است و می‏توان تصور کرد که مورخان یونانی و رومی به دلیل ناآشنایی با نخستین شاهان اشکانی، از شنیدن نام‏های ارشک و تیرداد و اردوان به اشتباه افتاده‏اند و تیرداد را برادر ارشک اول دانسته‏اند.با این نظریه همچنین انتقال عجیب سلطنت از ارشک دوم به نوه عمویش فریاپیت(که ولسکی بر آن تأکید کرده است)حل و نتیجه گرفته می‏شود که فریاپیت در واقع فرزند اردوان اول/ارشک دوم و نوه مؤسس سلسله، ارشک اول یا تیرداد بوده است.